



ماهنامه خبری

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

شماره سوم / آذر ۱۴۰۲





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ماهنامه خبری

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

شماره سوم / آذر ۱۴۰۲

مدیر مسئول: رئیس مؤسسه؛

حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر عسکر دیرباز

سر دبیر: معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی؛

حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر سیداحمد غفاری

سایت مؤسسه: www.iri.ac.ir

نشانی: خیابان ولیعصر (عج)، خیابان نوفل لوشاتو،

خیابان آراکلیان، شماره ۴، روابط عمومی مؤسسه،

کد پستی: ۱۱۳۳۶۱۴۸۱۶ تلفن: ۰۶۶۹۶۵۶۳۰ - ۰۶۶۴۰۵۴۴۵

طراحی: سعید صحابی

فهرست اخبار

- بیانیه ۳
- دیدار و ضیافت رسمی هیئت‌رئیس مؤسسه و مهمانان خارجی آن با قائم مقام سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ۵
- گفتگوی تفصیلی دکتر عسکر دیرباز با خبرگزاری شبستان ۶
- برگزاری آئین گرامیداشت هفته پژوهش در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ۷
- حضور دکتر بلخاری و دکتر رادپور در سومین گفتگوی اسلام و شینتو در توکیو ۸
- نشست هم‌اندیشی گروه «فلسفه اسلامی» مؤسسه با گروه فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱۰
- دیدار «انجمن دایوپی چین» از مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ۱۱
- نشست «شجاعت زیستن؛ رهیافتی الهیاتی» ۱۳
- کرسی ترویجی «اصل تنوع انسان‌ها و دلالت‌های انسان‌شناختی آن» ۱۴
- سخنرانی «وساطت فناوری در تحول امر جنسیتی» ۱۶
- کرسی ترویجی «نسبت فلسفه اخلاق و حکمت عملی» ۱۷
- نشست «فلسفه اسلامی و فیزیک؛ بررسی یک گفتگوی ناتمام» ۱۹
- سخنرانی «مسئله اخلاق در عقلانیت نقاد» ۲۲
- نشست نقد و بررسی کتاب «ردیه بر پروکلوس در باب قدم عالم» اثر مشهور «فیلوپونوس» ۲۳
- همایش یادبود استاد مرحوم دکتر «میرشمس‌الدین ادیب سلطانی»؛ «منطق: میراث ارسطو» ۲۵
- همایش بین‌المللی «محمی‌الدین ابن‌عربی، میراث او و اهمیت آن در جهان معاصر» ۲۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي
مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ)

در ایام الله سیزده آبان، روز جهانی مقابله با استکبار جهانی، مصادف با صدوششمین سالروز اعلامیه بالفور که منجر به تجاوز به خاک مقدس فلسطین و اشغال آن شد، در بیست و هفتمین روز از طوفان دشمن برانداز فلسطین مظلوم در برابر غاصبان رژیم سفاک صهیونیستی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران لازم می‌داند که بیانیه تبیینی - شناختی خود را، در راستای جهاد تبیین، اعلام دارد.

در این مدت کوتاه، همه جهانیان به چشم سر و جان دیدند که با وجود سرمایه‌های هنگفت و حمایت همه‌جانبه استکبار جهانی - در رأس آن‌ها آمریکا - از اسرائیل غاصب و با وجود ارسال مستمر سلاح‌های کشتار جمعی و وحشی‌گری‌های این رژیم جعلی علیه زنان و کودکان، در میدان اصلی نبرد و در مقابل عده‌ای قلیل از جوانان غیور، مؤمن و استوار فلسطینی، به ستوه آمده و کاری از پیش نبرده و به فضل الهی در آینده نیز کاری از پیش نخواهند برد؛ زیرا این وعده الهی است که: كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ.

خداوند حکیم که سرچشمه فرزاندگی و حکمت است، در بخش حکمت نظری، جهان‌بینی و جهان‌آلوده‌شده به دست چنین رژیم‌های را برای بندگان خود معرفی کرده است

تا با چنین شناختی، در عرصه حکمت عملی به مقابله با این غده سرطانی برخیزند.

به فرموده خداوند متعال، در میان باورمندان به شریعت یهود، گروهی هستند که بر دین خداوند استوارند و مطیع فرمان اویند: مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ. اما در مورد صهیونیسم نژادپرست و جنایتکار می‌فرماید: يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ: آن‌ها هر روز و پیوسته در حال نقشه کشیدن برای از بین بردن نام خدا و رسول خدا (ص) و آموزه‌های وحیانی دین اسلام هستند. در جهان‌بینی این تفکر خبیث، دستان خداوند برای یاری رساندن به مظلومان و انتقام از ظالمان و ستمگران بسته است: وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلِعِنَّا بِمَا قَالُوا لَلْإِذَاهُ مَبْسُوطَتَانِ.

از دیگر سوی و در ساحت جهان‌داری تفکر اومانیستی این رژیم، با محوریت برتری نژادی، نفرت‌پراکنی، اسلام‌هراسی رسانه‌ای و عقده‌گشایی غیرانسانی در برابر آموزه‌های الهی و اخلاقی، باعث شده است که رژیم صهیونیستی، بی هیچ ترس و نگرانی از پذیرش مسئولیت در قبال سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری، به کشتار مردم بی‌دفاع پرداخته و حتی بیمارستان‌ها و مدارس را هدف مشروع خود بداند.

با این بیان روشن و شناخت حکیمانه از این رژیم سفاک، در بخش حکمت عملی، دست الهی در دفاع از مظلوم و نابودی ستمگران باز است و ضمن وعده انتقام سخت از آنان، همواره





اختلاف، کینه و دشمنی بین سردمدان این رژیم گسترده شده است: *أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ*. اگر دولت‌ها و ملت‌های مسلمان در عرصه دیپلماسی به یکپارچگی قوه عاقله رسیده و در میدان نبرد چون ید واحد عمل کنند، وعده خداوند این است که به طور قطع و بی‌تردید آتش فتنه اشرار را خاموش خواهد کرد. توفیق یدالله بودن خداوند، چه در میدان حکمت نظری و چه در عرصه حکمت علمی، فقط بر اهل بصیرت و آنان که مطیع امر خدا، رسول (ص) و ولی خدا هستند، گشوده شده است تا به یاری او سینه‌های پر از غم مقدس مستضعفان و مومنان به زودی و با نصر الهی و نابودی رژیم سفاک صهیونیستی شفا یافته و شاهد آزادی قدس شریف و فلسطین عزیز باشیم: *وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ*.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب، خلف صالح بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره)، در بیانات ارزشمند خود همواره نسبت به وظیفه قشر دانشگاهی کشور در تبیین همه‌جانبه مسئله فلسطین برای همه مردم جهان و در تمامی سطوح (به ویژه برای قشر فرهیخته) و طرح و ارائه راه‌حل جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی تأکید داشته‌اند. ایشان همچنین جلب حمایت عملی گسترده برای ایجاد ید واحد امت اسلامی و همه آزادگان جهان را وظیفه قشر نخبه جامعه قلمداد فرموده‌اند.

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران هم‌صدا با دانشگاهیان سراسر جهان، ضمن محکوم کردن جنایات رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی، بر عزم و اراده خود در یاری رساندن به مظلومان فلسطین در دو ساحت حکمت نظری (به صورت جهاد تبیین در گستره جامعه دانشگاهی داخلی و بین‌المللی) و حکمت عملی (در جهت کمک به تشکیل امت و ید واحد الهی جهان اسلام علیه اسرائیل غاصب) از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

تحولات سریع به همراه بیداری گسترده جهانی نسبت به ماهیت این رژیم دجال صفت و حامیان مستکبر آن، همچنین وعده مقام معظم رهبری نسبت به اضمحلال قریب الوقوع اسرائیل، بار دیگر بشارت ظهور منجی عالم بشریت حضرت حجت ابن الحسن (عج) و نابودی کامل جبهه باطل را در دل‌های همه آزادگان جهان نوید می‌دهد: *جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ رَهُوقًا*.

«مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران»

۱۳ آبان‌ماه ۱۴۰۲ خورشیدی



دیدار و ضیافت رسمی هیئت رئیسه مؤسسه و مهمانان خارجی آن با قائم مقام سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

هیئت علمی این نهاد بودند که جهت شرکت در کنگره علامه و گفت‌وگوهای علمی در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه و بازدید از ظرفیت‌های مؤسسات و نهادهای اندیشه‌ورزی و فلسفی به جمهوری اسلامی ایران سفر کرده بودند.

هیئت ترکیه‌ای هم شامل دکتر علاءالدین یارنار داق، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه اغدیر و مدیر مرکز پژوهشی جعفری دانشگاه اغدیر، و دکتر اجاق حسن، دانشیار و عضو هیئت دانشگاه اغدیر در رشته فلسفه، بودند.

هیئت‌رئیس مؤسسه و مهمانان خارجی آن از عراق و ترکیه، به دعوت محمدرضا بهمنی، معاون توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در روز ۴ آذر ۱۴۰۲ از این سازمان بازدید کردند.

در این دیدار، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر عسکر دیرباز، رئیس، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سیداحمد غفاری، معاون پژوهشی، دکتر محمدجواد اسماعیلی و دکتر علی صادق دیقی، مدیر و معاون دفتر همکاری‌های بین‌الملل، از مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران حضور داشتند.

هیئت اعزامی از بیت‌الحکمه عراق نیز متشکل از عماد جاسم سلمان، قائم مقام وزیر فرهنگ عراق، مظفر عبید مریهج، معاون امور بین‌الملل بیت‌الحکمه، محمدحسین عبدعلی محمد، رئیس دپارتمان فلسفه بیت‌الحکمه، و مه‌ند عبدالحسن جلاب، عضو





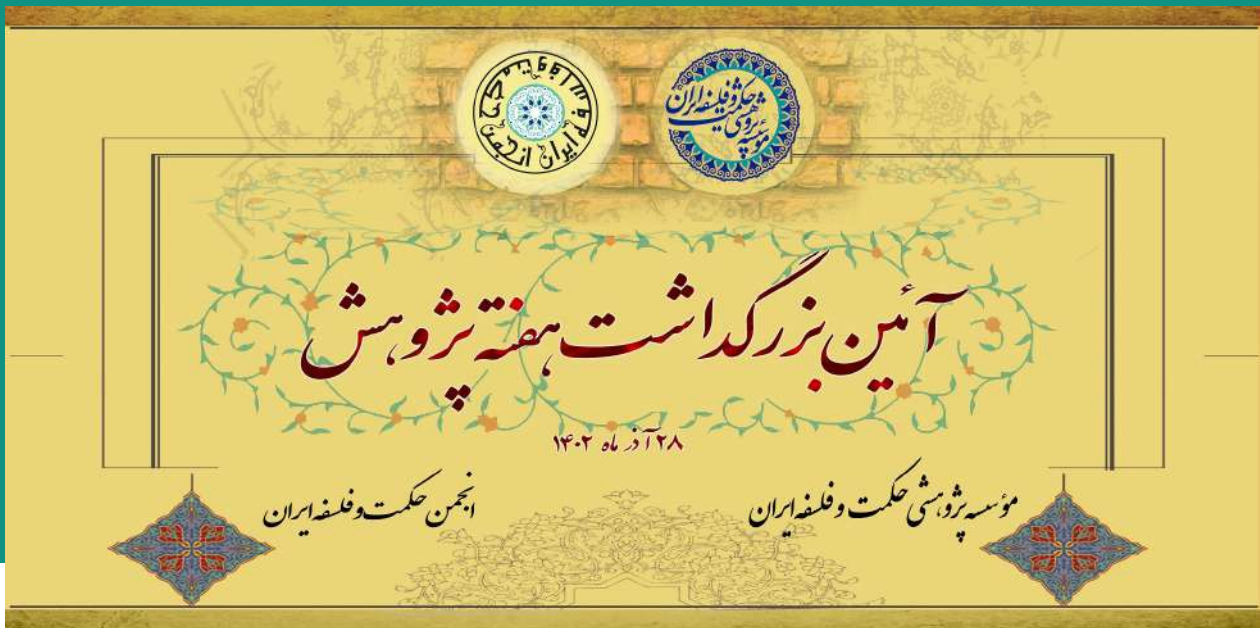
گفتگوی تفصیلی دکتر عسکر دیرباز با خبرگزاری شبستان

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر عسکر دیرباز، رئیس مؤسسه، در گفت‌وگوی تفصیلی با خبرنگار شبستان، با بیان اینکه پژوهش‌ها در دوره جدید فعالیت مؤسسه رویکرد تحولی دارند، به نگاه فلاسفه مسلمان نسبت به مسأله مناظره و گفت‌وگو اشاره کرده و افزود: فیلسوف به دنبال روزآمد کردن پاسخ پرسش‌ها است.

در لینک زیر متن کامل مصاحبه از نظر می‌گذرد:

<https://www.shabestan.news/news1737408/>





برگزاری آئین گرامیداشت هفته پژوهش در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، آئین گرامیداشت هفته پژوهش در روز سه‌شنبه ۲۸ آذرماه ۱۴۰۲ در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و با حضور ریاست و معاونین محترم مؤسسه و نیز اعضای محترم هیأت علمی و همچنین جمعی از یاوران علمی مجموعه، برگزار شد.



شایان ذکر است که دکتر علی حسینخانی (عضو گروه مطالعات علم)، دکتر احمد شه‌گلی (عضو گروه فلسفه اسلامی)، و دکتر محمد حسین‌زاده (عضو گروه فلسفه اسلامی) به عنوان پژوهشگران برتر مؤسسه در سال ۱۴۰۲ معرفی شدند.



در این مراسم از پژوهشگران و کارمندان برتر حوزه پژوهش در مؤسسه تقدیر بعمل آمده و به اهم فعالیت‌های صورت گرفته و اهداف پژوهشی پیش روی مؤسسه اشاره شد.





حضور دکتر بلخاری و دکتر رادپور در سومین گفتگوی اسلام و شینتو در توکیو

شعبه‌ها و ملت‌ها را شناخت یکدیگر دانست و تاکید کرد اگر این شناخت‌ها که منطقاً باید متقابل باشد (بر بنیاد فعل «لتعارفوا») بسیاری از مشکلات بشر از بین خواهد رفت.

وی در ادامه مطالب خود خطاب به اندیشمندان ژاپنی گفت: ما گرچه در فیزیک و جغرافیا از هم دوریم اما در معنا و متافیزیک با هم خویش‌ایم و قرابت داریم. سخن من حول این معنا به ویژه با استناد به حوزه هنر و معماری و توجه به آرای استادانی چون دکتر سوزوکی و کومارا سوامی از یک سو و سید حیدر آملی از سوی دیگر است. وی تاکید کرد ما و شما ذیل مفهوم شرق با هم نسبت داریم و آشنا محسوب می‌شویم. در چنین قلمرویی شرق یک اصطلاح جغرافیایی نیست یک فرهنگ است که ما و شما را در زیر یک سپهر با مفاهیمی مشترک کنار هم قرار داده است.

دکتر اسماعیل رادپور در این جلسه سخنرانی خود را با عنوان «بنیادهای مابعدالطبیعی در هنر باغ‌سازی چینی ژاپنی و ایرانی اسلامی» با بیان این نکته آغاز کرد که باغ‌سازی در هر دو سنت ایرانی اسلامی و شرق دور، بازتابی از بینش مابعدالطبیعی آن سنن بوده است. هم در ایران باستان و هم در ایران اسلامی، هم در چین باستان و هم در ژاپن، باغ زمینی منشائی آسمانی

دور سوم از گفتگوی دینی اسلام و شینتوئیسم با عنوان «نقش هنر و معماری از منظر اسلام و شینتوئیسم» در تاریخ ۲۷ نوامبر برابر با ۶ آذر ۱۴۰۲ در توکیو برگزار شد. در این نشست حجت‌الاسلام محمد مهدی ایمانی پور، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات، دکتر حسین دیوسالار، دبیر شورای عالی سازمان فرهنگ، دکتر حسن بلخاری، استاد دانشگاه تهران، دکتر اسماعیل رادپور، عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، دکتر پیمان سعادت، سفیر ایران در ژاپن و دکتر علی سعادت آذر، رایزن فرهنگی ایران حضور پیدا کردند و به ایراد سخنرانی پرداختند. در طرف مقابل، مسئولان انجمن معابد شینتو (جین جا هون چو 神社本庁) و اساتید دانشگاه کوگاگان آقاییان آتسوشی اوشیو، هیتوشی اوکایچی، دکتر ساتوشی کاوانو، دکتر مامورو ساسو، اوتووا ساتورو در این جلسه شرکت داشتند.

در این نشست، دکتر حسن بلخاری گفت: فلسفه این گفتگوها نه تنها شناساندن ملت‌ها و فرهنگ‌ها بلکه نزدیک کردن آنهاست. وی با اشاره به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»، فلسفه تقسیم انسان‌ها به





یافت نمی‌شود، در باغ چینی ژاپنی، خیابان‌ها، دالان‌ها و پل‌های راست‌خط یافت نمی‌شود. سبب آن است که باغ‌های چینی ژاپنی قرار است بازگشتی به وضع بی‌تعینی آغازین و دواریت آسمان را نمودار کند. تاکید بر مکان (بین) این خصلت آسمانی (یانگ) را جبران و کامل می‌کند. در مقابل، باغ‌ساز ایرانی نظم و تقارن را برمی‌گزیند، چرا که او در پی احداث تصویری از کنگ‌دژ یا فردوس برین بر روی زمین است. باغ ایرانی می‌کوشد که از طبیعت پیرامون خود متمایز باشد و تکرار طبیعت قلمداد نگردد. این به سبب آن است که در پی «بازگشت» به وضع طبیعی نخستین نیست، بلکه عرصه را بر این بازگشت تنگ می‌بیند، پس، به دنبال آن پایان شیرین نظم پایانی را متجلی می‌کند. در حقیقت، چنان که نقطه ازل و ابد بر هم منطبق است، عزیمت باغ ایرانی و چینی ژاپنی نیز به سوی یک نقطه است که در یک سوی با اتخاذ بینشی اول‌الزمانی، این عزیمت نوعی «بازگشت» است و در سوی دیگر با اتخاذ بینشی آخرالزمانی، این عزیمت «پیش‌روی» است. یکی راه آمده را بازمی‌پوید و دیگری راه مانده درمی‌نوردد و هر دو به رغم تفاوت صوری آنها که از زمین تا آسمان است، در عالم معنا و در نقطه یگانه مبدأ و معاد یکدیگر را ملاقات می‌کنند.

دارد که همان پردیس‌های آسمانی است که با عالمی میانی ارتباط دارند، عالمی پایین‌تر از قلمرو روح مجرد و برتر از قلمرو جسمانی، یعنی عالم صور لطیف و مثالی. وی افزود، باغ‌سازی در هر دو سنت، تمثیلی از آسمانی کردن زمین و زمینی کردن آسمان و سیر و سلوک انسان در مسیر بازگشت به فطرت و طریق استکمال است. در حقیقت، باغ‌سازی هنری نبوده که صرفاً ناظر به اثری زیبایی‌شناختی و کاربرد روزمره باشد، بلکه طریقی برای بیان و اظهار بینش‌های ژرف حکمی و معنوی بوده است. او با بیان این نکته که در نظر به عالم مدرن، بحث از حکمت هنر باغ‌سازی کاملاً به‌موقع است و توجه به آن فوریت بسیار دارد، گفت: ما در عالمی گسیخته از مبادی آسمانی زندگی می‌کنیم و روز به روز از طبیعت پیرامون خود و از طبیعت روحانی خود بیشتر و بیشتر بیگانه می‌شویم. باغ‌سازی ما را به عرصه‌ای می‌برد که هم زیباست و هم پرمعنا.

رادپور سخنان خود را به تطبیق بینش‌های مابعدالطبیعی موجود در باغ ایرانی اسلامی و باغ شرق دور ختم کرد و گفت: نگرش اول‌الزمانی با آسمان تطابق دارد و نگرش آخرالزمانی با زمین، پس، رموز متعلق به آسمان و زمین نیز بر همان نگرش‌ها تطبیق می‌کند. آسمان یانگ، سیاه و دایره است و زمین، بین، زرد و مربع. رموز وابسته به هندسه دوار و خطوط منحنی در باغ چینی ژاپنی بسی آشکار است. برعکس باغ ایرانی که در آن خیابان منحنی





نشست هم‌اندیشی گروه «فلسفه اسلامی» مؤسسه با گروه فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

محور طرح‌های آزاد است که در این محور موضوعات مختلف پژوهشی در زمینه فلسفه اسلامی می‌تواند پیگیری شود؛ عمده طرح‌ها نیز به این صورت است. علاوه بر محور آزاد، گروه درصدد تنظیم یکسری محورهای پژوهشی و انجام آن به صورت نظامند و حول یک موضوع خاص به صورت پروژه‌محور است که به برخی از این طرح‌ها در جلسه اشاره شد.

در ادامه این جلسه، هر یک از افراد جلسه، برای هم‌اندیشی و آگاهی از فعالیت‌های علمی و حوزه تخصص، زمینه تخصص و حوزه فعالیت‌های پژوهشی خود را بیان کردند. دکتر شیروانی و دکتر توکلی نیز ضمن ابراز خرسندی از برگزاری این نشست آمادگی گروه فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه را جهت همکاری بیشتر با مؤسسه حکمت و فلسفه ایران اعلام کرده و در پایان برای همکاری و تعامل بیشتر بین دو مجموعه پیشنهاد شد که همکاری‌ها در قالب طرح‌های پژوهشی و انجام کلان‌پروژه‌ها و برگزاری کارگاه و کرسی‌های ترویجی، و سلسله‌نشست‌های تخصصی ادامه داشته باشد.

نشست هم‌اندیشی گروه فلسفه اسلامی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با گروه فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در روز چهارشنبه مورخ ۸ آذر ۱۴۰۲ با حضور اعضای هیئت علمی دو گروه، برگزار شد.

اعضای شرکت‌کننده در این جلسه عبارت بودند از: دکتر احمد شه‌گلی (مدیر گروه فلسفه اسلامی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)، دکتر محمد حسین‌زاده (عضو هیئت علمی گروه فلسفه اسلامی)، دکتر محمدهادی توکلی (مدیر گروه فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، دکتر علی شیروانی (عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، دکتر فتحعلی خانی (عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، و دکتر شیدان شید (عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه).

در این نشست، مدیر گروه فلسفه اسلامی، دکتر شه‌گلی با بیان اینکه در مؤسسات پژوهشی، پژوهش محور اصلی است، زمینه همکاری را نیز در همین راستا بیان کرد. وی افزود انجام طرح پژوهشی داخلی و بیرونی از برنامه‌های اساسی این گروه و متناسب با سیاست‌های کلان مؤسسه است. در زمینه طرح پژوهشی یک





دیدار «انجمن دائویی چین» از مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

همراهان هیأت چینی از مرکز گفتگوی ادیان و تشریفات سازمان فرهنگ در این جلسه شرکت کردند.

نخست دکتر اسماعیلی گزارشی از فعالیت‌های مؤسسه و گروه‌های پژوهشی آن ارائه کردند و سپس آقای سوئن کانگ توضیحاتی دربارهٔ ادیان چینی و تاریخچهٔ سازمان ادارهٔ ادیان چین دادند و دکتر لی سنین از مدرسهٔ پزشکی در دانشگاه چه‌جیانگ گفتند و به پژوهش‌های خودشان که با تعالیم دین دائویی در باب حفظ سلامت پیوند دارد و از جملهٔ آن تعالیم به روزه‌داری در دین دائویی اشاره کردند که مشابه روزه‌داری مسلمانان است.

در ادامه، دکتر شهرام پازوکی ورود اسلام به چین را به واسطهٔ عرفان دانستند و گفتند کتاب مرصاد العباد شیخ نجم الدین رازی و لویح جامی از نخستین کتابهایی است که در اسلام چینی مطالعه می‌شده و به زبان چینی ترجمه شده است و این مطالعات به واسطهٔ اصطلاحات حکمی چین بوده است که ریشهٔ اکثر این اصطلاحات در تعالیم دائویی یافت می‌شود. توشیهیکو ایزوتسو کتاب خود را تحت عنوان آیین‌های تصوف و دائویی حدود ۴۰ سال پیش در همین موسسه نگاشت. او تعالیم یک عارف مسلمان یعنی ابن عربی را با دو حکیم بزرگ دائویی

هیئتی از انجمن دائویی چین (中国道教协会) که برای حضور در نشست «صلح و عدالت در اسلام و دائوئیسم» به ایران آمده‌اند، در روز دوشنبه ۲۷ آذرماه ۱۴۰۲، از مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران بازدید کرده و با جمعی از اعضای هیئت علمی به گفتگو و تبادل نظر پرداختند.

در نشستی که در این روز برگزار شد، در هیئت چینی آقای دکتر جانگ سوئه‌لینگ (张雪菱) از اعضای ارشد انجمن دائویی چین و روحانی دائویی، آقای لی هان‌یینگ (李寒颖) و خانم جائو سِیائویانگ (赵晓阳) از کارشناسان بخش بین الملل این انجمن، آقای سوئن گانگ (孙钢) از سازمان اداره ادیان چین، و آقای دکتر لی سنین (李鑫)، پزشک و استاد دانشگاه چه‌جیانگ، و در طرف ایرانی، دکتر شهرام پازوکی، مدیر گروه ادیان و عرفان موسسه، دکتر محمدجواد اسماعیلی، مدیر بین‌الملل و عضو گروه مطالعات ابن سینا، دکتر اسماعیل رادپور، عضو گروه ادیان و عرفان و مدیر امور پژوهش موسسه و دکتر علی صادق‌دقیقی معاون بین‌الملل موسسه حضور داشتند. در این نشست حجت الاسلام عسگر آقایی ترجمهٔ گفتگوها را به عهده داشته و همچنین خانم دکتر انسیه قنادزاده و دیگر





لائو دُزی و جوانگ دُزی مقایسه کردند، حال آنکه فاصله چند هزار ساله و چند هزار کیلومتری میان آنان وجود دارد. این کتاب نشان می‌دهد که گفتگوی ادیان زمان و مکان نمی‌شناسد. یافتن وجوه مشترک عرفانی بین تعالیم عرفانی اسلام و دائویی بسیار عمیق‌تر، اصیل‌تر و دقیق‌تر از آن چیزی است که در ظاهر ادیان و سیاست حاکم بر کشورها جاری است. ایشان در ادامه به داستانی از مثنوی مولانا اشاره کردند که چهار نفر بر سر انگور نزاع می‌کردند و هر کدام با نامی در جستجوی آن میوه بودند. مولانا می‌گوید اگر کسی بود که زبان هر چهار را می‌دانست به آنان می‌گفت که همگی در پی یک چیز هستند. مولانا دو واژه مهم را در این موضع به کار می‌برد، هم‌زبانی و هم‌دلی و می‌گوید «همدلی از هم‌زبانی بهتر است». اگر رسیدن به همدلی برای ما ممکن نیست، امید است که دست کم به هم‌زبانی برسیم.

آقای جانگ سوئه‌لینگ از دیدار خود با صوفی‌ای چینی که «بابا» نامیده می‌شد گفت و به ورزش رزمی مخصوص مسلمانان چین اشاره کرد و شکل‌گیری بیشتر ارتباطات سنت اسلامی و دائویی را در زمان دودمان یوئن دانست. او گفت تحقیق درباره نسبت بسیار نزدیک تعالیم تصوف و دائویی از اهمیت بسیاری برخوردار است و چنین تحقیقاتی می‌تواند در قالب همکاری‌های دوسویه به عمل آید و من به شخصه علاقه‌مندم گفتگو با اهل تصوف هستم.

سپس، دکتر رادپور از مهمان‌نوازی فوق‌العاده انجمن دائویی چین در پنجمین همایش بین‌المللی دائوئیسم تشکر کرده و حضور در مائو شان را حضور در زمین مقدس (فُودی) توصیف کرد. او سپس مطالبی را راجع به نسبت‌های عرفان اسلامی و آیینی دائویی در سه ساحت عرفان یعنی معنویت، دانش و رازورزی مطرح کرد. معنویت که عبارت است از رفتن از صورت به معنی شامل مراتب و مقامات است. در تصوف غالباً از هفت مرتبه استكمال نفس سخن می‌گویند. مانند همین هفت مرتبه در کتاب سی‌ما چنگ‌چن یافت می‌شود که این مراتب از خوف و ایمان (敬信) آغاز می‌شود و به تحقق به دائو (得道) ختم می‌شود. لیو یی‌مینگ نیز در کتاب خود با عنوان رفع ابهام از

کلمات تمثیلی (象言破疑) از هفت مرتبه نزول و هفت مرتبه صعود سخن می‌گوید. اما آنچه به عنوان دانش در ساحت عرفان یاد شد شامل معرفت حقیقت مطلق می‌شود. در سنت دائویی از ازلیات بزرگ پنجگانه (先天五太) سخن گفته می‌شود که تطبیق دقیقی با مفاهیمی در تصوف دارد. آنچه در دائوئیسم با تعابیر بی‌نام (無名) و بانام (有名) یاد می‌شود نیز مطابق می‌افتد با آنچه عرفای اسلامی از احدیت و واحدیت یاد می‌کنند. مفاهیم دائویی آسمان قدم (先天) و آسمان حدوث (後天) نیز همان عوالم غیب و شهادت در تعالیم عرفانی اسلام است. اما در ساحت رازورزی عرفانی نیز میان تعالیم تصوف و دائویی مشترکات بسیاری است. آنچه صوفیان با تعبیر شطح یاد می‌کنند و تعالیم مفصلی درباره آن دارند، یکی از روش‌های بیان دائویی است. مثلاً لائو دُزی در بند ۵ دائوئه جینگ می‌گوید «آسمان و زمین مشفق نیستند» یا در بند ۳ می‌گوید «در حکومت رهنمایان فرهمند، دل‌ها تهی می‌شد و شکم‌ها پر». اینها سخنان شطح‌آمیز و نیازمند تأویل است. یا آنجا که لائو دُزی خود را «دارای دلی نادان» می‌گوید با نگرش ملامتی صوفیه قابل فهم است. بر اساس همه این تشابهات می‌توان گفت که تصوف و دائوئیسم زبان یکدیگر را می‌فهمند. زبان ظاهری تصوف بیشتر عربی و فارسی و ترکی است و زبان ظاهر دائوئیسم چینی است ولی زبان باطنی هر دو یک چیز است و آن زبان طریقت است. شاید به همین سبب است که هیچ‌کسی نیست که با تعالیم تصوف آشنا باشد و دائوئه جینگ را بخواند و احساس غریبی کند.

در پایان آقای جانگ گفت پیوند تصوف و دائوئیسم چنان عمیق است که گویی تعالیم هر دو از یک کتاب واحد نشأت گرفته است و رادپور از نزدیکی مفاهیم تائو شانگ لائو جُوین (太上老君) و هشتاد و یک تجلی او در طول تاریخ و همراهی سِر احمدی و حقیقت محمدیه با همه پیامبران گفت. آری، این تعالیم عرفانی همه ریشه در ام‌الکتاب و هدایت‌های حقیقت آسمانی نبوی و ولوی دارد.

گروه کلام مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایوان برگزار می‌کند:

سخنرانی‌های پائیزه

شجاعت زیستن؛
رهیافتی الهیاتی

دکتر رسول رسولی پور
عضو هیئت علمی دانشکده خوارزمی

زمان: دوشنبه ۶ آذر ۱۴۰۲
مکان: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، کوچه شهید آراکلیان، شماره ۴
مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

لینک مجازی:
<https://www.skyroom.online/ch/irip/kalam>

نشست

«شجاعت زیستن؛ رهیافتی الهیاتی»

از موانع بزرگ ظهور و بروز توانائی‌های انسان، و ترس از جسارت ورزیدن در زیستن، می‌توان به فهم و تفسیر نادرست از اضطراب‌های وجودی سرنوشت و مرگ، پوچی و بی‌معنائی، و گناه و محکومیت در انسان اشاره کرد.

من در این ارائه بر آنم که به دو تفسیر متضاد الهیاتی که یکی به یأس و ترس از زیستن، و دیگری به شجاعت و جسارت در زندگی می‌انجامد، بپردازم.

به اهتمام «گروه کلام» مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چهارمین سخنرانی از «سخنرانی‌های پائیزه» این گروه پژوهشی با موضوع «شجاعت زیستن؛ رهیافتی الهیاتی» با ارائه «دکتر رسول رسولی پور» (عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی) در روز دوشنبه ۶ آذر ۱۴۰۲ برگزار گردید.

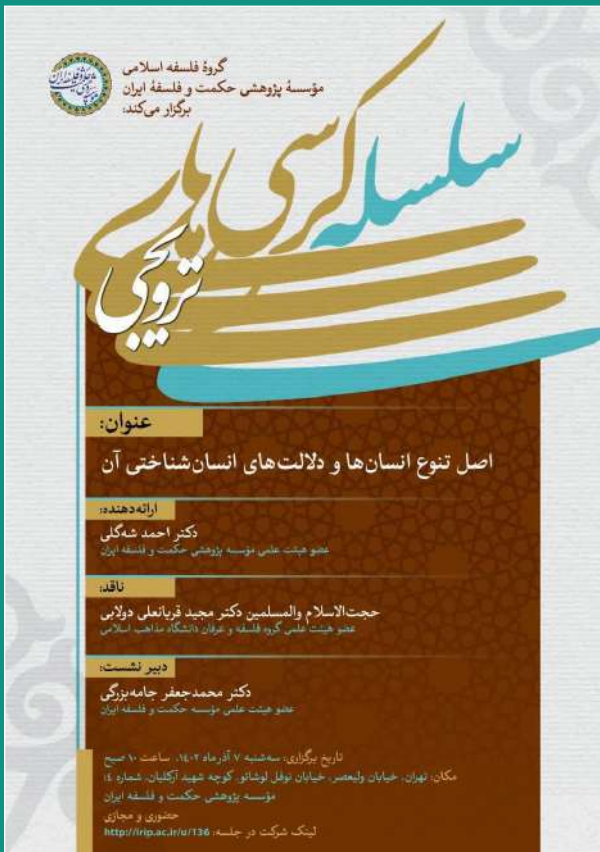
"شجاعت" یکی از چهار فضیلت اصلی انسان، از نظر فیلسوفان یونان باستان است. آن سه دیگر، حکمت، شکیبائی، و عدالت است.

ارسطو در اخلاق نیکوماخوس، می‌گوید: "انسان شجاع برای آنچه شرافتمندانه است عمل می‌کند".

بر این اساس، شجاعت عبارتست از عمل به آنچه ستودنی است، و رد کردن آنچه خوار شدنی است.

آدمی چیزی را ستایش می‌کند که به واسطه آن، هر موجودی قابلیت‌هایش را فعلیت بخشیده یا کمالاتش را محقق می‌سازد؛ و پرواضح است که انسان، تنها با فرض "زیستن" است که می‌تواند استعدادهای خویش را شکوفا سازد.





کرسی ترویجی

«اصل تنوع انسان‌ها و

دلالت‌های انسان‌شناختی آن»

گاهی تنوع به اعتبار استعداد‌های مختلف، این استعدادها می‌تواند استعداد هنری، ادبی، ریاضی، اجتماعی، زبانی، آینده‌نگری و .. باشد. حتی انسان‌ها به لحاظ لحن صدا نیز باهم متفاوت هستند. تنوع در اثر انگشت، خداوند متعال در قرآن با عبارت **وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمُ فَلَاعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ** نشان داده است که لحن صدای انسان‌ها گزارشی است از احوالات درونی آنها. پس اگر به لحاظ تجربی همه خصوصیات انسان را لحاظ کنیم مجموع این خصوصیات او را شخص منحصر بفرد خواهد کرد. عواطف انسان هم چنین است. این عواطف نیز تنوعی در ساحت روانی انسان ایجاد می‌کند. بنابراین مجموع حالات روانی انسان موجب تعینی می‌شود که آن شخص را منحصر بفرد می‌کند. شه‌گلی بر این نکته تأکید کرد که این خصوصیات روانی (مانند دلهره، حسرت، ناامیدی و...) فقط در انسان یافت می‌شود و در غیر انسان نیست. در مجموع این مدل‌های شخصیتی اشاره دارد بر اینکه احوالات انسان‌ها مختلف است و قابلیت دسته‌بندی انسان‌ها به این احوالات نیز وجود دارد.

این عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در نقدی به تقسیم‌بندی قوای درونی انسان در سنت فلسفه اسلامی گفت: این تقسیم‌بندی ناقص است زیرا کلی بوده و برای بیان احوالات درونی انسان ناکافی است. ضروری است در فلسفه

با اهتمام گروه «فلسفه اسلامی» مؤسسه، کرسی ترویجی «اصل تنوع انسان‌ها و دلالت‌های انسان‌شناختی آن»، در روز سه‌شنبه ۷ آذرماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۰ صبح، برگزار گردید.

دکتر شه‌گلی در ابتدای نشست گفت باید در نظر گرفت ما در علم‌النفس فلسفی اسلامی باب و یا فصلی با موضوع تنوع انسان‌ها نداریم اما در آیات به تفصیل در هفت مورد تعبیر مختلف الوان ذکر شده است. دکتر شه‌گلی براساس تفاسیر مختلف قرآن بر این نکته تأکید کرد که الوان در قرآن اشاره دارد به انواع. در لسان قرآن نوع موجودات این عالم با هم مختلف و متفاوت است. و البته این اختلاف و تنوع را آیتی برای عالمین در نظر گرفته است. بنابراین به اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع در قرآن اشاره شده است.

دکتر شه‌گلی در ادامه بحث به اصل تنوع در انسان‌ها پرداخت. از نظر ایشان منظور از تنوع انسان‌ها تفاوت در خصوصیات و ویژگی‌ها است. انسان متناظر با جهان است و همانطور که در گستره جهان و در میان نباتات و حیوانات و ... در خصوصیات ظاهری و شکل و اندازه و رنگ و ... انواع مختلفی داریم در انسان‌ها نیز این خصوصیات در هیأت بدنی، در شکل و رنگ و اندازه و غیره تنوع وجود دارد. حتی انسان‌ها در استعداد‌های خود نیز متنوع و مختلف هستند. یعنی گاهی می‌شود گفت تنوع به اعتبار خصوصیات بدنی گاهی به اعتبار خصوصیات روانی و حتی



اسلامی با استفاده از دست‌آوردهای جدید احوالات و درونیات انسان به طور جزئی‌تر بررسی شود.

عضو گروه فلسفه اسلامی مؤسسه بعد از ارائه مباحث ابتدایی به تبیین فلسفی اصل تنوع پرداخت و گفت هر جا تنوعی هست حتماً اشتراکی نیز هست انسان‌ها اشتراکاتی دارند که پس از آن اختلاف‌ها و تنوع به وجود می‌آید. این اختلاف‌ها در قالب تعینات به حدی می‌رسد که فرد منحصر بفرد در هستی می‌شود. بنابراین باید توجه داشت که این انسان خاص متعین و خاص مسبوق به آن اشتراکات است. پس انسان به واسطه وجود آن اشتراکات احکامی دارد و به خاطر وجود آن تعینات خاص نیز احکام خاص. مثلاً در سیستم بدنی هر انسان خصوصیت جسمی و فیزیولوژی خاص خود را دارد اما به لحاظ اشتراکات که دارد، علم پزشکی متعین می‌شود. می‌توان گفت تبیین، تعلیل و درمان در علم پزشکی مبتنی بر همین اشتراکات است.

پرسش مهم فلسفی از نظر دکتر شه‌گلی این بود که آیا به لحاظ فلسفی می‌توانیم از ظرفیت فلسفه اسلامی برای تبیین این تعین‌ها و خصوصیات متنوع بهره‌گیریم؟ به نظر ایشان در اینجا سه بحث مهم برای تبیین تنوع انسان‌ها قابل استفاده است:

بحث اول مسئله تشخیص است البته تشخیص با تعین هم فرق دارد. تشخیص یافتن یعنی غیر قابل انطباق بودن بر دیگران. بحث دوم در مورد وحدت نوعی انسان‌هاست که ظاهراً سه نظریه وجود دارد. عده‌ای مانند ابن‌سینا معتقدند انسان‌ها هم در حدوث و هم در بقا وحدت نوعی دارند. در نظریه دوم که از آن ملاصدرا است انسان‌ها در حدوث وحدت نوعی دارند اما در بقا کثرت می‌یابند. نظریه سوم هم که گویا از آن فخر رازی است این است که انسان‌ها هم در حدوث و هم در بقا کثرت دارند. بحث سوم هم قاعده لاتکرار فی التجلی است که مطابق با آن هر موجودی که تشخیص می‌یابد منحصر بفرد است و شخص ثانی ندارد.

شه‌گلی سپس به رویکرد دینی به تنوع انسان پرداخت و گفت آیات مربوط به تنوع انسان‌ها زیاد است و پیش از این هم ذکر شد که لون در لغت اگر چه به معنای رنگ است اما پژوهش در این واژه نشان می‌دهد این معنا از لون وضع ثانوی است و وضع اولیه آن در هر چیزی که موجب جدایی چیزی از سایر اشیا میشود به کار رفته است. و بنابراین لون یعنی تنوع. علامه طباطبایی نیز در تفسیر خود احتمال داده است که لون همان اشاره به تنوع باشد. البته فخر رازی طبری و فیض کاشانی در تفاسیر خود به صراحت گفته‌اند الوانه‌ای انواعه.

دکتر شه‌گلی در قسمت پایانی سخنرانی به دلالت‌های انسان‌شناختی تنوع انسان پرداخت. از نظر ایشان اولین دلالت انسان

شناختی درک تنوع انسان این است که انسان متوجه من منحصر بفرد خود می‌شود. و این خود مرتبه‌ای از خودشناسی است. وقتی متوجه این تفاوت می‌شود پرسش مهم‌تری پیش می‌آید و آن اینکه تعین خاص من چیست؟ از پاسخ به این پرسش انسان جایگاه وجودی خویش را می‌یابد. در ساحت اجتماع فهم تنوع انسان باعث می‌شود نظام اجتماعی به گونه‌ای طراحی شود که این تنوع و تعینات خاص انسانی لحاظ شود و اگر این تعینات لحاظ نشود جامعه به سمت مشکلات عدیده سوق می‌یابد.

در بحث نظام آموزشی هم تنوع در سیستم ادراکی انسان باعث میشود معیارهای فراگیر کنار رفته و مطابق با تعینات خاص در حوزه ادراکی نظام آموزشی صحیحی ارائه شود.

پس از سخنان آقای دکتر شه‌گلی، ناقد محترم حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مجید قربانعلی دولابی به ارائه مطالب خود پرداخت. دکتر دولابی انتخاب موضوع را بسیار مبارک دانست و تصریح کرد متأسفانه این موضوع مهمی است که از آن غفلت شده است و پرداخت به آن ضروری است. اصل تنوع انواع البته موضوع بدیهی است و انتظار می‌رفت جناب دکتر شه‌گلی بیشتر متمرکز بر دلالت‌های تربیتی و انسان‌شناختی آن شود. نکته مهم در نقد بر سخنان آقای شه‌گلی غفلت از وجه اشتراک انسان است. یعنی توجه بیش از حد به تنوع و تفاوت انسان نباید موجب غفلت از آن چیزی شود که انسان بودن انسان به آن است و آن همان فطرت الهی است. گویا مدرنیته و جهان‌صنعتی می‌خواهد قالب مشتری‌کی از سبک زندگی را به انسان تحمیل کند. برای همین به نقاطی از تفاوت‌ها دست می‌گذارد که اتفاقاً بسیار حساس است. برای مثال پرچم هفت رنگ همجنس‌بازان معنایی جز احترام به تفاوت و تنوع انسان ندارد. اما در فرهنگ اسلامی این تفاوت‌ها در سایه آن جوهر مشترک الهی یعنی فطرت به رسمیت شناخته می‌شود نه برعکس. بنابراین تنوعی که اشتراک فطری را از اساس نمی‌پذیرد انحراف است.

نکته دیگر اینکه اگر بخواهیم به بحث از تنوع انسان بپردازیم بهتر است فقط به تفاوت‌های تکوینی نپردازیم بلکه تفاوت‌هایی که بر اثر اختیار انسان به وجود می‌آید را نیز در نظر بگیریم. نکته دیگر اینکه بهتر بود تنوع انسانی به اقسامی تقسیم می‌شد مثلاً تنوع تکوینی و اعتباری یا تقسیم به تنوع اختیاری و غیر اختیاری.

نکته دیگر اینکه آقای شه‌گلی تعین و تشخیص را منحصر در انسان لحاظ کردند که به نظر می‌رسد در حیوانات نیز این تشخیص و تعین را داریم. نکته دیگر اینکه واژه زوج نیز در قرآن به معنای نوع به کار رفته است و قابل تأمل است.





سخنرانی

«وساطت فناوری در تحول امر جنسی»

در تحول ادراک و عمل انسانی برشمرده می‌شود. این حالات شامل روابط بدنمندی، هرمنوتیک، پس‌زمینه‌ای، سایبرگی، غیریت، استغراق، و افزودگی می‌شود و در هر یک فناوری به نحوی در تجربه انسان از جهان پیرامونش وساطت می‌کند. برای تکمیل این نظریه علاوه بر این حالات، سه حالت امکان‌آفرینی، نقش‌نمایی و مداخله‌گری در بدن نیز به انواع حالات ممکن برای وساطت فناوری افزوده شد. از سوی دیگر، طبق نظریه استولجار مقولات جنسیتی (زنانگی و مردانگی) از چند پارادایم با ساختاری خوشه‌ای تشکیل شده‌اند؛ خوشه‌هایی از ویژگی‌ها که در چهار بردار بدن زیستی، تجربه پدیداری، نقش‌های اجتماعی، و خود-انگاره گرد هم آمده‌اند. طبق چارچوب فوق برای تحلیل چگونگی تحول امر جنسیتی به واسطه فناوری، می‌توان در مورد هر فناوری خاص، شیوه وساطت فناوری و مؤلفه‌ای از جنسیت را که به واسطه آن تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد معین کرد.

پس از ترسیم این چارچوب نظری و تدقیق آن، برای تقریب به ذهن و ارائه تصویری اجمالی، نمونه‌هایی از انواع فناوری از جمله فناوری‌های مربوط به باروری، داروها، فناوری‌های ارتباطاتی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، معماری، و فناوری‌های الکترونیکی بررسی شده و چگونگی وساطت آنها در تحول ابعاد مختلف امر جنسیتی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

اولین سخنرانی از «سخنرانی‌های پاییز و زمستان گروه مطالعات علم» با عنوان «وساطت فناوری در تحول امر جنسیتی» و با ارائه دکتر زهرا زرگر در روز سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲ برگزار گردید. در این نشست به یکی از ابعاد رابطه جنسیت و فناوری پرداخته شد؛ نسبت فناوری و جنسیت از دهه نود میلادی مورد توجه پژوهشگران حوزه مطالعات جنسیت، و همچنین حوزه مطالعات فناوری قرار گرفت و آثار متعددی با رهیافت‌های فلسفی و تجربی ناظر به این موضوع نگاشته شد. یکی از ابعاد این رابطه، چگونگی اثرپذیری مناسبات جنسیتی از تحولات فناورانه است. در پژوهش‌هایی که بر این مسئله متمرکز شده‌اند، فناوری‌های گوناگون (مانند انواع فناوری‌های پزشکی، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، فناوری‌های کار خانگی و ...) از جهت تحولاتی که در روابط و ساختارهای جنسیتی ایجاد کرده‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در این ارائه چارچوبی نظری برای تحلیل جامع و دقیق این تحولات پیشنهاد شد. این چارچوب نظری از یک سو مبتنی بر نظریه «وساطت» در حوزه فلسفه فناوری است که توسط فریبک فیلسوف معاصر فناوری ارائه شده است. از سوی دیگر نیز، بر نظریه «پارادایم‌های زنانگی» که استولجار آن را پیشنهاد کرده است اتکا دارد. در نظریه فریبک حالاتی هفتگانه برای وساطت فناوری





کرسی ترویجی

«نسبت فلسفه اخلاق و حکمت عملی»

به کلام نویسنده محترم ابراز داشتند. در انتها نیز ایشان ضمن پذیرش برخی اشکالات، برخی دیگر را پاسخ دادند.

حجه الاسلام محمدی منفرد پس از تعریف حکمت عملی و معرفی سه قلمرو اخلاق توصیفی، اخلاق هنجاری و فرا اخلاق، با عبور از اخلاق توصیفی، ابراز داشتند حکمت عملی و فلسفه اخلاق (فرا اخلاق و اخلاق هنجاری) در مسائلی مانند معیار ارزش، فضیلت‌مندی، ماهیت گزاره‌های ارزشی و اخلاقی، واقع‌گرایی ارزشی و معرفت‌شناسی وجه اشتراک دارند. یعنی این مسائل در هر دو حوزه قابل طرح و حائز اهمیت است. اما نکته اینجا است که حکمت عملی در اینگونه مسائل وابسته به فلسفه اخلاق است و فلسفه اخلاق می‌تواند اثبات‌کننده مبادی تصویری و تصدیقی حکمت عملی باشد.

در ادامه حجه الاسلام و المسلمین دکتر محیطی (پژوهشگر حوزه فلسفه اخلاق) پس از تأکید بر اهمیت موضوع، ابراز داشتند: کلی بودن موضوع مانع از بررسی دقیق قلمرو این دو علم شده و

کرسی ترویجی «نسبت فلسفه اخلاق و حکمت عملی» با ارائه حجه الاسلام و المسلمین دکتر محمدی منفرد (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، در روز سه‌شنبه ۱۴ آذرماه، برگزار شد. در ادامه، گزارشی از این نشست از نظر می‌گذرد:

کرسی ترویجی «نسبت فلسفه اخلاق و حکمت عملی» در تاریخ ۱۴۰۲/۹/۱۴ با ارائه حجه الاسلام دکتر بهروز محمدی منفرد (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) و با نقادی حجه الاسلام دکتر زهیر انصاریان (مدیر کارگروه حکمت عملی مجمع عالی حکمت اسلامی) و حجه الاسلام دکتر حسن محیطی (عضو هیئت علمی دانشگاه معارف) و به دبیری حجه الاسلام دکتر محمدصادق علی‌پور (پژوهشگر وابسته مؤسسه حکمت و فلسفه ایران) در مؤسسه حکمت و فلسفه ایران (شعبه قم) برگزار شد.

در این کرسی، حجه الاسلام و المسلمین دکتر محمدی منفرد ابتدا توضیح به‌نسبت کاملی از مقاله خود ارائه کردند. سپس ناقدان محترم و برخی حاضران پرسش‌ها و نقدهایی نسبت





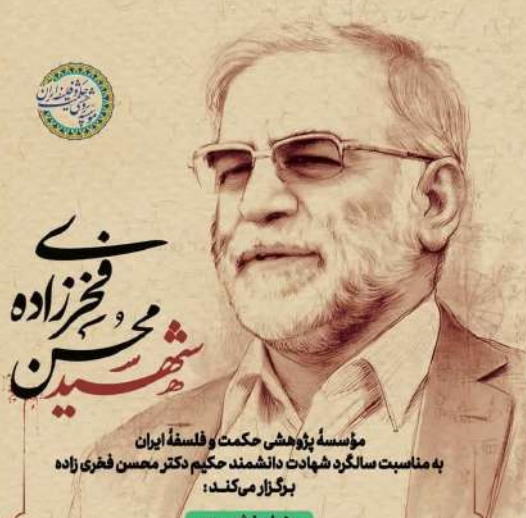
در صورتی که موضوعات جزئی تر می‌شد مدعای اصلی قدری دقیق‌تر وضوح می‌یافت. همچنین ایشان ابراز داشتند در این مقاله عدم معنا شناسی دقیق اصطلاحات کار بررسی نسبت این دو علم را با مشکل مواجه کرده است. برای مثال محدوده حکمت عملی و فلسفه اخلاق به دقت روشن نشده، اصطلاحات مختلف اخلاق هنجاری که تأثیر زیادی در تعیین نسبت این دو حوزه دارد، مغفول مانده است. همچنین ایشان در اینکه فلسفه اخلاق علم درجه دوم باشد نیز تردید کردند و این سؤال را مطرح کردند که چرا فلسفه اخلاق نتواند علم درجه اول باشد؟!

حجه الاسلام و المسلمین دکتر انصاریان (پژوهشگر حوزه حکمت عملی) نیز در ادامه ابراز داشتند کلی بودن موضوع، نه تنها نقطه ضعف نیست بلکه نقطه قوت است. ایشان در این که در کنار حکمت عملی نیازمند دانشی به نام فلسفه اخلاق باشیم، تردید کردند. به اعتقاد ایشان مسائل مربوط به اخلاق هنجاری در شاخه‌ای از حکمت عملی (اخلاق) مطرح می‌شود و بیشتر مباحث مربوط به فرائخلاق در کتاب برهان و خطابه مطرح می‌شود و همین مباحث ما را از فلسفه اخلاق به معنای امروزی آن بی‌نیاز می‌کند. ایشان معتقدند اساساً روش‌شناسی فلسفه‌های مضاف با روش‌شناسی فلسفه‌ورزی در جهان اسلام متفاوت است.

حجه الاسلام و المسلمین دکتر محمدی (مدیر گروه حکمت عملی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران) نیز به عنوان یکی از حضار ابراز داشتند: کلی بودن موضوع نقطه ضعف نیست و هدف این بوده که این دو قلمرو نسبت سنجی شوند. در اینکه این دو حوزه تباین ندارند شکی نیست اما باید مشخص شود نسبت فلسفه اخلاق و حکمت عملی تساوی است یا عموم و خصوص مطلق یا من وجه. در واقع باید مشخص شود فلسفه اخلاق زیر مجموعه حکمت عملی قرار می‌گیرد یا در جایگاهی بالاتر از آن.

در بخش پایانی حجه الاسلام دکتر محمدی به اشکالات پاسخ دادند. ایشان معتقدند میان فلسفه اخلاق و حکمت عملی نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است. همچنین تأکید کردند فلسفه اخلاق دانشی درجه دوم است و دانش درجه اول همان علم اخلاق است. ایشان در بخش اخلاق هنجاری، بحث از معیار را بحثی درجه دوم دانستند اما بحث از صحیح و خطا بودن فعل اخلاقی را به مشهور نسبت دادند و دانش درجه دوم دانستن آن را محل تأمل خواندند.

همچنین در پاسخ به اشکال دکتر انصاریان، ایشان ابراز داشتند هر چند مسائل مربوط به فلسفه اخلاق در میان تراث اسلامی پراکنده است و بیشتر آن‌ها در لابلای متون وجود دارد اما اینکه این مسائل را به صورت یکجا جمع کنیم و در قالب یک علم ارائه دهیم، دچار اشکال نیست.



بنام
محمد فخرزاده
سرخندان

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
به مناسبت سالگرد شهادت دانشمند حکیم دکتر محسن فخری زاده
برگزار می‌کند:

عنوان نشست:
فلسفه اسلامی و فیزیک؛ بررسی یک گفتگوی ناتمام

سخنرانان:
دکتر عسکر دیرباز (رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)
سخنرانی افتتاحیه
دکتر میثم توکلی (هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)
مباحثاتی فلسفی در باب مدل‌سازی تصادفی
دکتر نعمت‌الله ریاضی (هیئت علمی گروه فیزیک دانشگاه شهید بهشتی)
نور چیست؟
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدامیر سفاواریان (هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم)
سیر تحول مفهوم طبیعت از فلسفه تا فیزیک

زمان: سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ ساعت ۱۰ تا ۱۲
مکان: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران - سالن دکتر نصر

نشست

«فلسفه اسلامی و فیزیک؛ بررسی یک گفتگوی ناتمام»



در نشست «فلسفه اسلامی و فیزیک؛ یک گفتگوی ناتمام» که صبح روز سه‌شنبه ۱۴ آذرماه به مناسبت سالگرد شهادت دکتر محسن فخری‌زاده در مؤسسه برگزار شد، سخنرانان نظرات خود را در خصوص موضوع نسبت علم فیزیک و فلسفه بیان کردند که در ادامه گزارشی از آن ارائه می‌گردد:

سخنران ابتدایی این مراسم حجت‌الاسلام عسکر دیرباز، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه بود. وی گفت: شهید فخری‌زاده از یک سو نسبت به فلسفه اسلامی خضوع داشتند و از آن دفاع می‌کردند از سوی دیگر به واسطه تسلطشان به علم فیزیک همیشه فکر می‌کردند که چرا فلسفه اسلامی وارد مباحث فیزیک نمی‌شود و اندیشمندان این دو عرصه با یکدیگر وارد گفتگو و تعامل نمی‌شوند. به نظر می‌رسد شهید فخری‌زاده از فلاسفه اسلامی انتظار داشتند که با اندیشمندان حوزه فیزیک در مورد یکسری از موضوعات به تفاهم برسند.

پس از دکتر دیرباز، دکتر میثم توکلی عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه درباره موضوع «ملاحظات در باب مدل‌سازی تصادفی» سخنرانی کرد.

وی گفت: بنده قرار است درباره موضوع مدل‌سازی تصادفی در علم سخنرانی کنم و منظورم از مدل‌سازی تصادفی هم این است که مثلاً در ترمودینامیک ما درباره وضعیت یا حالت‌های مختلف

گاز در کنار یکدیگر بحث می‌کنیم و وقتی می‌گوئیم وضعیت و حالت یعنی از سنجش دقیق پرهیز می‌کنیم و هر جایی که پای حالت یا وضعیت در علم به میان بیاید یعنی ما نخواستیم به مسئله و واقعیت نزدیک شویم چون کار سخت می‌شود.

توکلی افزود: مدل‌سازی به حوزه شناخت ما مربوط می‌شود نه واقعیت؛ در واقع چون به واقعیت نزدیک نشدیم به مدل‌سازی تصادفی روی آوردیم. البته در مورد موضوعاتی مثل پدیده کوانتومی نمی‌توانیم اینطور بحث کنیم چون در این حوزه می‌گوئیم که رفتار ذره ذاتی است و ما نمونه دیگری نداریم که در مقایسه با آن قرار دهیم.





کروی و پیامدهای شکست نور در جو زمین پرداخته است. این استاد دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: هویگنس در دوره بعدی رفتار موجی نور را تشخیص داد و به همین دلیل هم او را بنیانگذار نظریه موجی نور می‌دانند. نظریات او به نوعی در مقابل نظریات نیوتن درباره نور است که به ذره‌ای بودن نور باور داشت. اما پس از هویگنس، ماکسول کشف کرد که نور یک پدیده الکتریکی-مغناطیسی است و تمامی ویژگی‌های امواج الکترومغناطیسی با ویژگی‌های نور همخوانی دارد به این ترتیب دو حوزه مجزای فیزیک یعنی نور و الکترومغناطیس باهم متحد شدند و تفسیر نظری واحدی برای آنها پیدا شد.

ریاضی سپس به نظریات اینشتین در فیزیک پرداخت و گفت: کشف نسبیت یکی از تحولات عمیق و اساسی در فیزیک نوین است که توسط اینشتین صورت گرفته است. یکی دیگر از کارهای این دانشمند در مورد نور تفسیر درست اثر فتوالکتریک بود که با ماهیت نور به عنوان یک موج الکترومغناطیسی کلاسیک تعارض داشت. بعدها پلانک مفهوم کوانتوم نور را به عنوان بسته‌های انرژی که مقدار آنها تنها به فرکانس بستگی دارد معرفی و کشف کرد که انرژی فوتون‌ها فقط به فرکانس بستگی دارد و دامنه موج در آن تأثیر ندارد.

وی اضافه کرد: «مکملیت» یکی دیگر از بحث‌هایی است که توسط نیلز بور در سال ۱۹۲۸ مطرح شد. در این بحث سخن از بحث همیشگی دوگانه موج و ذره است و اینکه نور از ذرات تشکیل شده یا موج؟ به عقیده بور برخی از ویژگی‌های ذات را نمی‌توان همزمان به طور دقیق اندازه‌گیری کرد مثل موقعیت و سرعت؛ پس ویژگی‌های موجی و ذره‌ای همزمان قابل مشاهده نیستند.

ریاضی در پایان گفت: بحث درباره «نور» می‌تواند ما را به مسائل عمیق‌تری در فیزیک و ادراک برساند و هنوز یک مبحث ناتمام و باز است که فکر اندیشمندان زیادی را به خودش مشغول کرده است.

این عضو هیئت علمی مؤسسه ادامه داد: من بقیه سخنانم را می‌خواهم در سه دسته تقسیم‌بندی کنم؛ اول اینکه اگر به هر دلیلی قرار باشد ریاضیات احتمال در حوزه علم تجربی قرار بگیرد باید گزارشی از نظریه احتمال ارائه دهیم که در چارچوب تجربی بگنجد. پس تصورات متافیزیکی از تصادف یا نظریه احتمال می‌تواند نظریه احتمال را از علم تجربی بیرون و به فضای فلسفه و متافیزیک ببرد. نکته دوم اینکه ما معمولاً چیزهایی را مدل سازی تصادفی می‌کنیم که اتفاق افتاده نه اینکه قرار است اتفاق بیفتد و نکته سوم به مسئله اشکالات هیوم به علیت برمی‌گردد. اینکه بگوییم ذات یک چیز تصادفی است بازگشت به فضای «همینی که هست» است که ما دلمان نمی‌خواست. نکته پایانی هم اینکه در مورد تصادف سه تبیین اساسی وجود دارد: موجبیتی، تصادفی و عاملیت و حداقل مشکلات مفهوم تصادف یا حقیقت تصادفی اگر بیشتر از علیت نباشد کمتر از آن نیست. سخنران بعدی این مراسم دکتر نعمت‌الله ریاضی عضو هیئت علمی فیزیک دانشگاه شهید بهشتی بود که درباره موضوع «نور چیست؟» سخنرانی کرد.

وی گفت: قدما و حکمای یونان درباره نور یک اشتباه اساسی داشتند و آن هم اینکه رؤیت را چیزی قلمداد می‌کردند که از چشم به اشیا می‌رود. علت اشتباهشان هم این بود که سرعت نور خیلی بالاست و چشم نمی‌تواند بگوید نور از چه سمتی می‌آید. بعدها ابن هیثم شواهد تجربی ارائه کرد که نور از چشم انسان ساطع نمی‌شود بلکه توسط اجسامی مثل چراغ تابش می‌شود و هرپرتو نوری در خط مستقیم حرکت می‌کند.

ریاضی در ادامه به ذکر مباحثی از کتاب «ابن هیثم و دانش نورشناسی؛ آرا و اکتشافات» پرداخت و توضیح داد: ابن هیثم در کتاب «ابن هیثم و دانش نورشناسی؛ آرا و اکتشافات» به مباحثی چون نظریات عمومی نور در راستای مستقیم، چشم و بینایی، انعکاس نور، ابن هیثم و مباحث هندسی، قوانین شکست و مسائل مربوط به شکست در سطح تخت، شکست نور در سطوح





اما آخرین سخنران این مراسم حجت‌الاسلام سید امیر سخاوتیان عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد قم بود که درباره «سیر تحول مفهوم علیت؛ از فلسفه تا فیزیک» سخنرانی کرد.

وی گفت: سیر مفهوم علیت از گذشته تا کنون عبارتست از سیر مفهوم علیت در فلسفه یونان، مفهوم علیت در حکمت اسلامی که شامل حکمت اشراق، حکمت مشاء، حکمت صدرایی و حکمت عرفانی می‌شود. مفهوم علیت در فلسفه تجربی انگلستان که شامل نظریات هیوم و بارکلی می‌شود، مفهوم علیت در فلسفه قاره‌ای، مفهوم علیت در فیزیک نیوتن و مفهوم علیت در فیزیک معاصر.

سخاوتیان افزود: مشکل آرای قبل از سقراط این بود که حقیقت را درک می‌کردند اما بیانشان ضعیف بود. در زمان پساقراط، ارسطو سعی می‌کند این خلاء را پر کند. ارسطو می‌پذیرد این جهان وجود دارد و حالا یکسری اتفاقات در آن می‌افتد که باید درباره‌شان بحث کنیم.

وی سپس به مبانی صدرایی در تبیین علیت پرداخت و گفت: مبانی صدرایی در تبیین علیت عبارت‌اند از اصالت وجود، وحدت وجود، تشکیک در وجود، وجود ربطی و حرکت جوهری. علیت در فیزیک کلاسیک تقریباً همان علیت در فلسفه ارسطویی و علیت در فیزیک کوانتومی به دو دسته رئالیستی و ایدئالیستی تقسیم می‌شود. منظور از رئالیست‌ها افرادی امثال انیشتین و ایدئالیست‌های افرادی امثال هایزنبرگ است.

این استاد دانشگاه در پایان به موضوع نسبیت خاص پرداخت و توضیح داد: براساس نظریه نسبیت خاص، علت تابع تعریف ما از زمان است که جای بحث دارد و در یک فرصت دیگری باید به آن پرداخته شود.





سخنرانی

«مسئله اخلاق در عقلانیت نقاد»

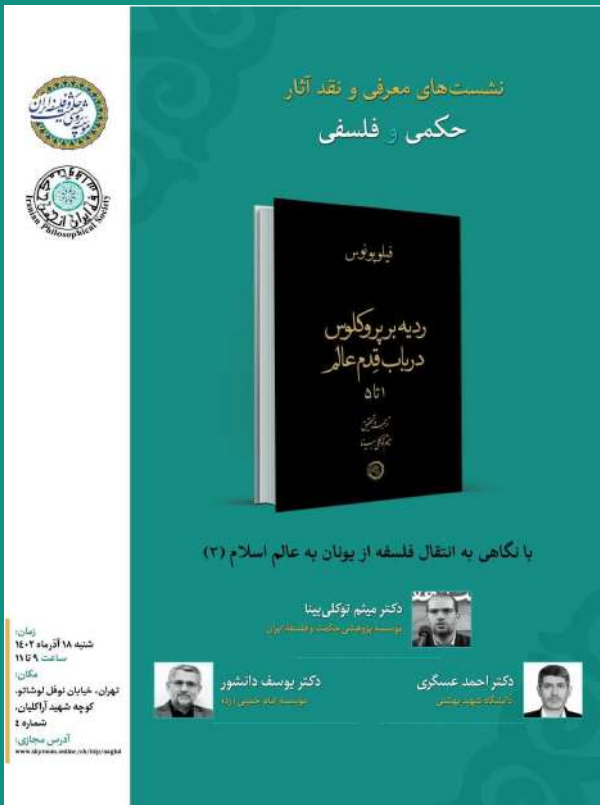
تکاملی در پیدایش رفتار اخلاقی و تلفیق آن با فلسفه ذهن پوپر توضیحی برای چگونگی پیدایش عامل اخلاقی ارائه شد. پیشنهاد طرح شده به طور خلاصه این بود که عامل‌های اخلاقی نفوسی هستند که در طی یک سناریوی تکاملی و در تعامل با محیط به ظرفیت شناختی شخص‌بودگی دست یافته‌اند. این «شخص‌بودگی» یک ظرفیت شناختی است که به انسان توانایی پیروی از قاعده و قانون را فراتر از احساسات هیجانی می‌دهد. در قسمت پایانی سخنرانی درباره برخی از پیامدهای این پیشنهاد برای برخی مسائل مناقشه‌برانگیز مانند امکان بروز تصمیم‌های غیرعقلانی، عینیت و چگونگی نقدپذیری داورهای اخلاقی و امکان عامل اخلاقی شدن هوش مصنوعی صحبت شد. سخنران تأکید کرد که این پیشنهاد تا حد زیادی همراستا با رویکرد کانتی است. با این حال برخی از عقل‌گرایان نقاد رویکرد کانتی را مناسب نمی‌دانند و رویکرد جزء‌گرا و فایده‌گرایانه را ترجیح می‌دهند. انتخاب اینکه کدام رویکرد می‌تواند توسعه بهتری برای یک نظریه اخلاقی در عقلانیت نقاد باشد می‌تواند یک پروژه مستقل باشد.

دومین سخنرانی از «سخنرانی‌های پاییز و زمستان گروه مطالعات علم» با عنوان «مسئله اخلاق در عقلانیت نقاد» با ارائه دکتر علیرضا منصورى، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در روز سه‌شنبه ۱۴ آذرماه ۱۴۰۲ برگزار شد. فلسفه کارل پوپر ذیل عنوان عقلانیت نقاد یا عقل‌گرایی انتقادی چه در فلسفه سیاسی و چه در فلسفه علم دارای بنیان‌های اخلاقی است. به رغم زیربنای اخلاقی فلسفه کارل پوپر، او نظریه اخلاقی جامعی برای رویکرد عقلانیت نقاد ارائه نکرد و به دلایلی تمایلی هم به این کار نداشت. اما این خلاء موجب بروز نقدهایی شده است.

در این سخنرانی با عنوان «مسئله اخلاق در عقلانیت نقاد» ضمن مروری بر مؤلفه‌های اخلاقی اندیشه پوپر و نقدهایی که به آن وارد شده است، یک برنامه پژوهشی در جهت ارائه یک نظریه اخلاقی هماهنگ و سازگار با عقلانیت نقاد پیشنهاد شد. این برنامه پژوهشی مؤلفه‌های مختلفی دارد، اما این سخنرانی بیشتر حول بررسی وضعیت هستی‌شناختی عامل اخلاقی بود.

در این بررسی از برخی دستاوردهای متأخر در تبیین‌های





نشست نقد و بررسی کتاب

«ردیه بر پروکلوس در باب قدم عالم»

اثر مشهور «فیلوپونوس»

با حدوث، احساس شد. لازم به ذکر است که این کتاب مهم که زمینه‌ساز مجادلات فراوان در این باب بوده و حتی در آثار ابن‌سینا هم اشاراتی به آن وجود دارد، در طول تاریخ کمتر دیده شده و تا کنون هم هیچ نسخه عربی از آن در دسترس نیست.

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران افزود: ترجمه انگلیسی این اثر یونانی، کار تحقیقی بزرگ و ارزنده‌ای است که ترجمه مستقیم از متن یونانی را بلاموضوع می‌کرد. لازم به ذکر است که ترجمه فارسی هم همچون ترجمه انگلیسی قرار است که در چهار مجلد به زیور طبع آراسته شود که مجلد دوم آن هم خوشبختانه آماده شده است.

دکتر توکلی بی‌نا اضافه کرد: موضوع کتاب هم به موضع پروکلوس در باب همیشگی بودن جهان و بی‌ابتدا و بی‌انتهای بودن آن متمرکز است که پروکلوس این موضوع را تقریباً به همان صورت استمرار آن در سنت پیشینیان یونانی ادامه می‌دهد و فیلوپونوس در همین جاست که با وی مرافعه دارد. فیلوپونوس، پروکلوس را متهم می‌کند که در حالی قدم را به افلاطون نسبت می‌دهد که اتفاقاً آثار افلاطون همگی از حدوث حکایت دارند. در واقع، حتی بر سر تفسیر رساله تیمائوس افلاطون هم با یکدیگر اختلاف دارند. همچنین لازم به ذکر است که فیلوپونوس به روشنی از آموزه‌های مسیحی بهره برداری کرده است و وی را می‌توان یکی از پایه‌گذاران سنت کلامی قلمداد کرد.

نشست نقد و بررسی کتاب «ردیه بر پروکلوس در باب قدم عالم» اثر مشهور «فیلوپونوس» در روز شنبه ۱۸ آذرماه ۱۴۰۲ از ساعت ۹-۱۱، به صورت حضوری و مجازی برگزار شد.



در این نشست ابتدا مترجم و پژوهشگر اثر، دکتر میثم توکلی بی‌نا، زمینه‌ها و علت انتخاب این اثر را جهت ترجمه یادآور شد. وی با اشاره به طرح پژوهشی خود در مؤسسه که به تطبیق بحث‌های حدوث با بحث‌های مربوط به فیزیک جدید و مشخصاً تکنیکی در کیهان‌شناسی، مربوط می‌شود، به دغدغه و سوالی اساسی پرداخت که آیا در اینجا با یک ادبیات و مفهوم مشترک روبرویم یا تفاوت‌هایی وجود دارد؟

به باور وی، برخلاف بحث‌های مربوط به تکنیکی، بحث‌ها در خصوص حدوث بسیار گسترده و نامعلوم بود. لذا، جای خالی کتاب ردیه همچون مقدمه‌ای مهم در بحث‌های مرتبط





دکتر یوسف دانشور، منتقد بعدی این نشست، اقدام به ترجمه این اثر دشوار را نیازمند همت و اراده‌ای قوی دانست که به اعتقاد ایشان دکتر توکلی از پس آن بر آمده است. ولی به نظر وی، برای چنین کار فاخری، مقدمه‌ای مبسوط تر نیاز بود، که چنین امری متأسفانه صورت نپذیرفته، و خواننده در جریان سیاق متن قرار نمی‌گیرد. در مقدمه علاوه بر جنبه‌های تاریخی که به آن اشاره‌ای نشده، بهتر بود الفاظی را که سعی شده تصمیماتی در خصوص معادل‌های آن‌ها انجام بگیرد توضیح داد، تا بدین ترتیب با گسترش دایره الفاظ، به حصول آن دستگاه مفهومی که مورد اشاره دکتر عسگری هم بود، نزدیک می‌شدیم.

عضو مؤسسه امام خمینی ادامه داد، مترجم، در واقع، عهده دار انتقال این دستگاه مفهومی است، و در این کار به نظر به دلیل تصمیمات متفاوتی که در طول اثر برای معادل‌سازی‌ها گرفته شده، خواننده با نوعی گم‌شدگی در فهم متن مواجه می‌شود. از این جهت کار نیازمند تقویت است. همچنین، گاهی هم مختصرگویی‌ها، ایجاد ابهام کرده است، مثلاً در صفحه ۱۷ سطر دوم، در بیان تصمیم معادل‌سازی برای *come to be* گفته شده که: آن را با پدید آمدن معادل کرده‌ام؛ هر چند نمی‌شد بین آن با «وجود آمدن» معنای واضحی را رصد کنیم مگر آنکه بخواهیم تفاسیر صدور و ایجاد را با استناد به سنت نوافلاطونی از هم تفکیک نماییم. به باور بنده، این قبیل اشارات کار را حتی برای خوانندگانی که با ادبیات موضوع آشنایی دارند سخت می‌کند.

در ادامه این نشست، دکتر احمد عسگری ضمن تشکر از ترجمه این اثر مهم به فارسی، به نکاتی اشاره کردند. یکی از این نکات در خصوص انتقال فلسفه از یونان به جهان اسلام بود؛ زمانی که سپاه مسلمانان در سال ۶۴۰ میلادی به اسکندریه وارد شد، مدرسه اسکندریه یکی از مدارسی بود که در تکون فلسفه در عالم یونان از بالغ بر هزار سال قبل به تدریج در تمامی محیط اطراف منتشر شده بود. همچنین، از طریق درسنامه‌هایی که تا امروز باقی مانده می‌توان انتقال فلسفه از یونان را مدرسه به مدرسه و منطقه به منطقه ردیابی کرده و مقدمات ورود فلسفه به عالم اسلام را بازجست. حال، یکی از موضوعاتی که در مدرسه مطرح شده، همین مناظره و استدلالاتی است که موضوع اصلی کتاب را شکل می‌دهد.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در خصوص ترجمه اثر هم بیان داشت: به طور کلی در خصوص متون فلسفی، ترجمه این قابلیت را ندارد که شما را از سطوح مقدماتی فراتر ببرد. مثلاً در ترجمه فارسی اخلاق نیکوماخوس ارسطو، امکان ورود به سطح متوسط را نمی‌یابید. چرا که در پس چنین متن‌هایی، شبکه‌هایی معنایی و سنتی سترگ نهفته است.

اما در خصوص این کتاب ضمن اینکه تلاش خوبی صورت پذیرفته و متن از افراط و تفریط به دور بوده و زبان مأنوسی دارد، اما برخی انتقادات هم قابل طرح است. برای نمونه، در کتاب به جای جود از سخاوت استفاده شده است. در حالی که سخاوت در کنار عدالت و شجاعت در نظر ارسطو و در اخلاق نیکوماخوس، صفاتی انسانی بوده و انتصاب آن‌ها به الوهیت مورد تمسخر است. اینکه قدما به جای سخاوت از جود سخن گفته‌اند هم هدفشان همین امر بوده است. یا به جای *creation* واژه خلق را در همه جا جایگزین کرده‌اند که گاهی نامأنوس است. یا به کار بردن روانه به جای جریان و سریان و صدور، مشکل ساز شده است.





انجمن منطق ایران با همکاری مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار می‌کند:

یادبود تلاش‌های علمی استاد مرحوم

دکتر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی

منطق میرا ارسطو



دکتر موسی اکرمی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)

هنر بزرگ رایموندوس لولوس (رامون یوی)

دکتر فرزاد دیده‌ور (دانشگاه صنعتی امیر کبیر)

زمان فازی و تأثیر آن بر حل مسائل نظریه پیچیدگی محاسبات

دکتر غلامرضا ذکیانی (دانشگاه علامه طباطبائی)

ادیب در ارگانون

دکتر مهدی عظیمی (دانشگاه تهران)

تجربیه بهره‌گیری از میراث ادیب

دکتر اسدالله فلاحی (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)

منطق آزاد و قضیه خارجی

دکتر لطفاله نبوی (دانشگاه تربیت مدرس)

مربع تقابل ارسطوی زیر میکروسکوپ فرگه

دکتر سید محمود یوسف ثانی (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)

قیاس تخیلی

شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲ (صبح و عصر) / مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

تهران، نوفل لوشاتو، کوچه شهید آر گلپایگان، شماره ۳

همایش یادبود استاد مرحوم

دکتر «میرشمس‌الدین ادیب سلطانی»؛

«منطق: میراث ارسطو»

- دکتر مهدی عظیمی (دانشگاه تهران) / تجربیه بهره‌گیری از میراث ادیب
- دکتر اسدالله فلاحی (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران) / منطق آزاد و قضیه خارجی
- دکتر لطفاله نبوی (دانشگاه تربیت مدرس) / مربع تقابل ارسطویی زیر میکروسکوپ فرگه
- دکتر سید محمود یوسف ثانی (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران) / قیاس تخیلی

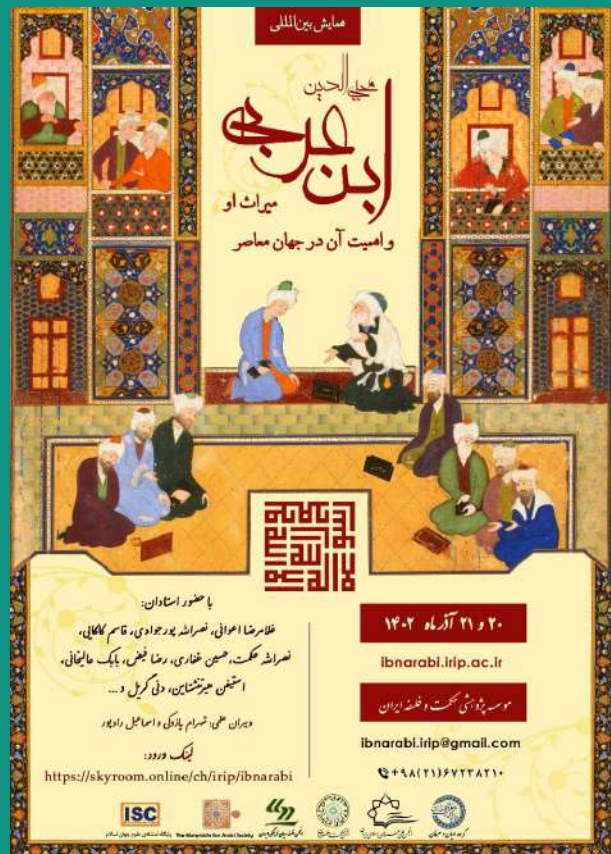
همایش یک روزه با عنوان «منطق: میراث ارسطو» در یادبود تلاش‌های علمی استاد مرحوم دکتر «میرشمس‌الدین ادیب سلطانی» با همکاری انجمن منطق ایران و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، در روز شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲ برگزار گردید.

✓ سخنرانان:

- دکتر موسی اکرمی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات) / هنر بزرگ رایموندوس لولوس (رامون یوی)
- دکتر فرزاد دیده‌ور (دانشگاه صنعتی امیر کبیر) / زمان فازی و تأثیر آن بر حل مسائل نظریه پیچیدگی محاسبات
- دکتر غلامرضا ذکیانی (دانشگاه علامه طباطبائی) / ادیب در ارگانون



همایش بین‌المللی «محمی‌الدین ابن‌عربی، میراث او و اهمیت آن در جهان معاصر»



همایش ارسال شده است اما زمان کافی برای ارائه دادن تمام آن مقالات نیست و در آینده کتابی منتشر می‌شود که مشتمل بر چکیده مقالات خواهد بود. بازوکی به کارگاه‌های آموزشی و جلسات نقد و بررسی کتاب نیز به عنوان مقدمات برگزاری همایش محمی‌الدین ابن‌عربی اشاره کرد و به این نکته پرداخت که همه این جلسات و نشست‌ها مقدمه‌ای بوده برای همایشی که امروز در حال برگزاری است.



همایش بین‌المللی «محمی‌الدین ابن‌عربی، میراث او و اهمیت آن در جهان معاصر» صبح دوشنبه ۲۰ آذرماه ۱۴۰۲ با حضور اساتید برجسته ایرانی و خارجی و با استقبال گسترده مخاطبان حضوری و مجازی، در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.



دکتر شهرام پازوکی به عنوان دبیر علمی همایش ضمن توضیحاتی درباره شکل‌گیری این همایش که از ایده‌های رئیس اسبق مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران بوده، به این موضوع پرداخت که شناخت وجوه مختلف زندگی و آثار ابن‌عربی در دستور کار این همایش است. پازوکی درباره مقالات ارائه شده نیز توضیحاتی داد، اینکه ۷۰ مقاله داخلی و خارجی به



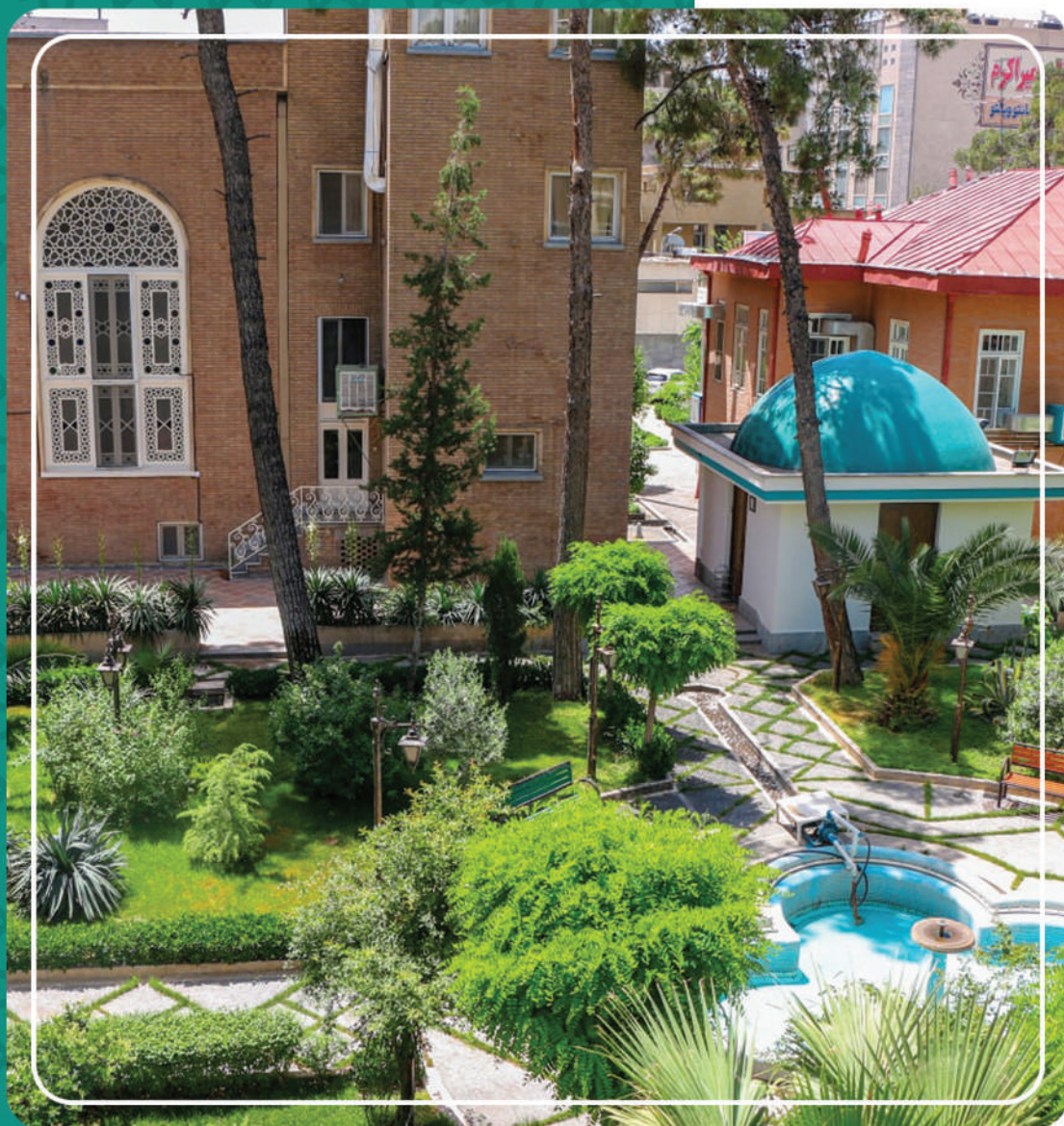
دکتر عسکر دیرباز، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران دیگر سخنران مراسم افتتاحیه بیان کرد: صمیمانه تشکر می‌کنم از دکتر پازوکی که به رغم کثرت مراجعان و اساتید و دانشجویان و کارهای پژوهشی فراوان، مسئولیت این همایش را پذیرفتند. برای برگزاری این همایش تلاش‌هایی شبانه‌روزی انجام شد تا چنین فضایی مهیا شود. از هیئت محترمی که از روسیه و ترکیه تشریف آوردند نیز تشکر می‌کنم. امیدوارم این سفر به ایران، سفر خوبی برایشان باشد.

او ادامه داد: در یازدهم دی ماه ۱۳۶۷، امام هیئتی را به ریاست آیت‌الله جوادی آملی با نامه مبسوطی به اتحاد جماهیر شوروی فرستادند یعنی سی و پنج سال پیش. بیست روز دیگر سالگرد این اقدام است. در آن نامه امام به فارابی و ابن‌سینا و ملاصدرا اشاره می‌کنند و اینکه مارکسیسم در حال فروپاشی است. امام در بخشی از نامه به شکل متفاوتی به ابن‌عربی اشاره می‌کنند.

دیرباز اضافه کرد: درباره فارابی و ابن‌سینا و ملاصدرا تعبیرهای امام این است که دیدگاه‌های این بزرگان می‌تواند برای کسانی که در زمینه ذات خداوند مطالعه می‌کنند کمک خوبی باشد. اما وقتی نوبت به ابن‌عربی می‌رسد ایشان می‌فرمایند اگر می‌خواهید از دیدگاه او بهره ببرید هیئتی را از افراد تیزهوش اعزام کنید به قم که سال‌ها در مکتب ابن‌عربی زانو بزنند و آموزش ببینند و بعد از اندیشه‌های او استفاده کنند.

او بیان کرد: تفاوتی که امام میان فارابی و ابن‌سینا و شیخ اشراق از طرفی و ابن‌عربی از طرف دیگر می‌گذارد، قابل توجه است. این فقط درباره ابن‌عربی است که امام فرمودند بدون شاگردی نمی‌توان بر اندیشه بلند او دست یافت. چنین نکته‌ای را امام درباره شخصیت‌های دیگری که در این نامه نام برده‌اند مورد اشاره قرار نمی‌دهند. مطلب دیگر، این است که، ابن‌عربی شخصیتی پرکار در جهان اسلام است. حتی به لحاظ تألیفات فراوان در ابعاد مختلف دانش‌های اسلامی در روزگار خودش و تاریخ بشریت جزو سرآمدترین شخصیت‌ها بوده است. در فهرست ارائه مقاله‌ها می‌توان ابعاد گوناگون ابن‌عربی را مورد مطالعه قرار داد.





آدرس:

تهران، خیابان ولی عصر،

خیابان نوفل لوشاتو،

خیابان آراکلیان،

شماره ۴

تلفن: ۶۶۹۶۵۳۴۶